

علماء ایران در اسلام

هیچ کس نمیتواند این را منکر شود که مهمترین عوامل تشدید تمدن اسلامی ایرانیان بوده و پایه آن تمدن بزرگ را نیاکان ما بالا برده اند از رجال دین گرفته تا فلاسفه و علماء اغلب ایرانی بوده . حتی در لغت و ادبیات عربی ایرانیان بر عرب سبقت گرفته و امروز خود اعراب مجبوراند که برای فهمیدن زبان و تحصیل يك سبك ادبی با آثار فضلی ایران رجوع کنند

این مسئله بقدری مسلم است که حتی عربها بدان اعتراف کرده و آیه « ویستبدل قوم غیر کم را » بایرانیان تاویل داده اند این خلدون يك فصل از مقدمه مشهور خود را باین موضوع اختصاص داده و اعتراف میکند که علمای اسلام یا ایرانی بوده و یا در ایران زیست کرده و یا در آنجا تحصیل کرده اند « استاذ محمد عبده میگوید « کدام يك از فضایل است که ایرانیان در آن دست نداشته و یا بدست ایشان تمام نشده است »

آیا حقیقت غیر از این است ؟

آیا بزرگترین شعرای عرب (بشار بن برد و ابونواس) و بزرگترین علمای نحو (سیبویه و ابوعلی فارسی و سیرانی) و نخستین جغرافیون اسلامی (استخری و قزوینی) و مخترع علوم بلاغت (عبدالقاهر جرجانی) و بزرگترین حکمای اسلام (ابن سینا و فارابی) و بزرگترین اطبا و فلاسفه (ابوبکر رازی) ایرانی نبوده اند ؟

آیا کسی میتواند در بین نویسندگان عرب نظیر ابن مقفع و ابن عمید و بدیع الزمان و خوارزمی و در بین مفسرین و مورخین نظیر ابن جریر طبری و فخرالدین رازی و زمخشری و میان علمای موسیقی تالی ابراهیم المظنی و اسحق معروف بموصلی پیدا کند ؟

آیا نخستین کسی که فقه و حقوق اسلامی را تدوین کرده است ابوحنیفه بوده است

بی محابا باید گفت که اگر ایرانیان نبودند نه تنها عرب دارای آن تمدن بزرگ نمیکردید بلکه زبان آنها نیز بسد از اختلاط با سایر ملل از بین رفته و بزبان کلدانیان و فینیقیها ملحق شده بود

ما محض اینکه بهتر بتوانیم عملیات نیاکان خود را بخوانندگان خویش نشان دهیم تاریخ ادبیات و علوم عربی را بچند دوره تقسیم کرده خدمات ایرانیان را در هر دوره باین زبان ذکر خواهیم نمود

رتال جامع علوم انسانی

۱ - دور بداوت

۲ - دور شروع باخذ تمدن

۳ - بحبوحه تمدن

۴ - انحطاط

۵ - نهضت

۱ - دور بداوت که عبارت از ایام خلفای راشدین باشد دوری است که حربها بواسطه اشتغال بجنک و گبر و دار با مخالفین توانستند بمسائل ادبی و تحصیل علوم پرداخته و شاه

کار های ایشان فقط فتوحات مجیر العقولی بوده است که در ایران و سوریا و مصر کرده اند و در ضمن هم اگر با سوادی را از جانی اسیر میگرفته اند او را با موزکاری اولاد خویش بر قرار میداشته اند

نیز در ایام عمر اداره پست تاسیس گردیده (۱) و یک مقداری اسکناس رواج یافته است (۲)

۲ - دور دوم یعنی شروع باخذ تمدن از خلافت معاویه شروع گردیده و این قول در بین مورخین یک شهرتی دارد از یک طرف هم نظر بمقر معاویه که سوریا بوده و سوریا ارتباط دائمی و تمایل کاملی با مدیئت روم داشته است این قول معقول بنظر میرسد ولی از طرف دیگر هیچ آثار برجسته از دولت اموی در دست نیست

و حتی شعر که در آن عصر رواج کاملی داشته و سه شاعر بزرگ عرب « جریر و فرزدق و اخطل » از نوابغ آن دوره بوده اند با سبک جاهلیه هیچ فرقی نکرده و روح تجدد در آن موجود نیست

فقط قدمهاییکه بنوامیه در راه تمدن برداشته اند عبارت است از اصلاح اداره پست (در ایام معاویه) و اصلاح خط عربی و نقل دفاتر دولتی از زبان رومی و پهلوی بزبان عربی (در ایام عبدالملک بن مروان) و آنهم بدست ایرانیان صورت گرفت خلاصه ایام امویین با عهد خلفای راشدین چندان فرقی ندارد

(۱) اشهر مشاهیر الاملام ج ۲ و طبقات سبکی ج ۱

(۲) ابوتامام میگوید: لم ینتدب من الابل یجمل من جلودها للتقدمین عزه الذهب

و يك نفر مورخ نمیتواند چیزیکه دلیل بر ترقی علمی و فکری ایشان باشد پیدا کند

۳ - دوره سوم دوره ایست که دولت عرب یا (اسلامی) باوج ترقی رسید و تمدن ایشان بر تمدن روم و یونان افزونی گرفت علمای بزرگ . حکمای بی نظیر . اطباء حاذق . ستاره شناسان عالقدر ، مؤلفین باتحقیق . نویسندگان زبردست . شعرای خیال پرور . موسیقین شور انگیز همه در این عصر میزیسته اند

این دوره بدست ابومسلم خراسانی پیش آمده و بتوسط ایرانیان دیگر از قبیل برامکه و بنونوبخت بالارفت و بهمین واسطه این تمدن را (بقول جرجی زیدان) باید تمدن ایرانی نامید

۴ - اگر چه تمدن فوق الذکر در حقیقت بدست عباسیان پیش نیامده و با ضعف آنها نیز ضعیف نگردیده و فقط از بغداد باصفهان و خراسان و ماوراء النهر منتقل گردید ولی با انقراض آنها از میان رفت چه از یکطرف حمله مغول و از طرف دیگر حمله اسپانیول بدولت اموی در غرب و عباسی در شرق خاتمه داده علوم عربی را بمنتهی درجه انحطاط افکند

قبل از حمله مغول نیز بواسطه توجه امرای ایران بزبان فارسی و احیای ادبیات و قومیت خویش تا يك اندازه ادبیات عربی تنزل کرده و اواخر قرن چهارم زبان عربی تقریباً بیک فقر ادبی دچار میشود ولی در قرن پنجم بکنفر اصفهانی (مؤید الدین طغرانی) ظهور کرده و عصر بشار و ابونواس را تجدید مینماید

در این صورت میتوانیم طغرانی را خاتمه شعرای عرب گفته و میتوانیم مابین دوره سوم و چهارم به يك دوره دیگری قابل شده